



باز خوانی یک تجربه

طراحی فضای یادگیری فرآیند مدار در مدارس کارآمد

اشاره

این مورد پژوهی نشان داد که چگونه می‌توان با ارزیابی مدارس پیشرو، به الگوها، روش‌ها و فرآیندهای کارآمدی دست یافت و آنها را مستندسازی کرد و اشاعه داد. همچنین نشان داد که، چرا توسعه کاربرد فناوری آموزشی در مدرسه، فقط موقعی به نتیجه رسید که مدرسه توانست «فرآیندها» را بسازد، نه این که صرفاً روش‌های سنتی سابق را با نظام جدید، ساختمان و مبلمان مدرن بپوشاند.

مورد مدرسه اظهر نشان داد که با مشارکت معلمان، دانش‌آموزان و اعضای انجمن اولیا و مربیان، چطور می‌توان بر همه موانع کاربرد فناوری آموزشی در مدرسه فایز آمد. و با طراحی فرآیندها چطور در زمینه نیاز به نیروی انسانی، منابع آموزشی، آموزش ضمن خدمت و کمبود تجهیزات آموزشی و... به نتیجه مورد نظر رسید.

این مورد پژوهی نشان داد که چرا و چگونه می‌توان از وسایل «ارزان» و «دست ساخت» موجود در مدارس در تأمین منابع آموزشی ارزان برای هر ماده درسی اهتمام کرد و نمونه‌های با ارزش را چگونه «مستند» کرده و در اختیار سایر مدارس کشور قرار داد.

فرم «کارت فایل» مواد ارزان قیمت که از یک مقاله یونسکو اقتباس شده بود. طی سه ماه با مشارکت مدیریت و معلمان پیشرو در این مدرسه تجربه شده است - حاصل این تجربه یک آلبوم مرکب از ۲۵۰ کارت فایل برای مستند کردن مواد آموزشی ارزان قیمت در این مدرسه می‌باشد که می‌تواند الگویی برای سایر مدارس کشور و تهیه شناسنامه محصولات ارزان قیمت موجود یا نوپدید آنها باشد. (مستند به لوح فشرده شماره ۳/۲)

مدرسه راهنمایی زهرا اظهر (س)

استان مرکزی، شهرستان اراک

«نمونه، دخترانه و شبانه روزی»

تأسیس: (۱۳۷۹) «سال ولایت»

متراژ زیر بنا ۱۵۰۰ متر مربع

خانم گودرزی مدیر مدرسه: بنده

«گودرزی» مدیر مدرسه راهنمایی نمونه و شبانه‌روزی زهرا اظهر (س) هستم و در حال سپری کردن بیست و نهمین سال از خدمت خود می‌باشم. ۲۹ سال پیش بود که از معلمی در روستا شروع کردم. به مرور در مقاطع ابتدایی و راهنمایی سابقه تدریس و مدیریت داشتم. معلم کلاس اول و پنجم نیز بودم ام روی هم رفته دوران خدمتم را الحمدلله به حول و قوه الهی با عشق کار کردم و این برحسب علاقه‌ای است که به بچه‌ها و به کارم دارم. من ۲۱ سال است که مدیرم. می‌توان گفت از اوایل انقلاب اسلامی در مقاطع ابتدایی

و راهنمایی دولتی و عادی، شبانه‌روزی و نمونه مردمی به خدمت پرداخته‌ام. الان در شرف ورود به دهمین سال خدمتم، در پست مدیریت مدارس راهنمایی شبانه‌روزی استان هستم.

این جا یک مدرسه نمونه و شبانه‌روزی استان مرکزی، واقع در شهر اراک است. یعنی در کل ۱۵ منطقه آموزشی استان ما فقط یک مدرسه نمونه شبانه‌روزی دخترانه راهنمایی داریم که همین مدرسه است. جمعیت این مدرسه متشکل از ۶۰ درصد روستایی و ۴۰ درصد شهری می‌باشد که از ۴۰ درصد شهری ۱۰ درصد فرزندان شاهد، ۳۰ درصد عادی و از ۶۰ درصد دانش‌آموزان روستایی آن هم، ۱۰ درصد از فرزندان شاهد می‌باشند. کلاس سیاست دولت برای این است که بچه‌های نخبه و نمونه روستاها را در یک مکان مناسب آموزش بدهند، تا از هدر رفتن استعدادها جلوگیری به عمل آید و از نظر مدیر، معاون و دبیران متخصص آموزشی و... از امکانات خوب رفاهی و سالم و کارآمد بهره‌مند گردند.

ما از بدو ورود بچه‌ها به مدرسه تا دبیرستان و بعد هم دانشگاه و حتی بعد از آن در جریان کار آنها قرار می‌گیریم. الان بیشتر بچه‌های ما جذب دبیرستان‌های نمونه یا جذب دبیرستان تیزهوشان و یا فرزندانگانی می‌شوند و چند درصدی هم که به مدارس دولتی رفتند نیز جذب دانشگاه‌ها شدند و در سطوح بالاتر مشغول به تحصیل هستند.

در طول سابقه مدیریت ام، به‌این نتیجه رسیدیم که "اگر در کار مدیر یا معلم و یا هر کسی که در آموزش و پرورش بستی را قبول می‌کند علاقه و وجود داشته باشد، نتیجه تلاش او به موفقیت و کارایی می‌انجامد. ولی اگر علاقه‌ای در کار او نباشد، موفق نخواهد بود." پس درجه اول موفقیت، علاقه می‌باشد. من در طول دوران خدمت خود افتخاراتی مثل مدیر نمونه کشوری، استانی و ناحیه‌ای را به دست آورده‌ام. پس اگر انسان به کارش علاقه داشته باشد به دنبال یادگیری می‌رود و تجربه کسب می‌کند. من نیز در اوایل مدیریت خیلی چیزها را نمی‌دانستم. لذا درصدد رفع آنها و افزایش آگاهی‌های خود برآمدم. برای مثال به دیگر مدارس نمونه استان سرکشی می‌کردم و همچنین به سمینارهای مختلفی که برگزار می‌شد می‌رفتم. در اکثر همایش‌های آموزش و پرورش شرکت داشتم و همایش انجمن اولیا و مربیان چه در تهران و چه در دیگر استان‌های کشور شرکت داشتم. نقاط قوت و ضعف را دیدم و تجربه کسب کردم. یعنی انسان تا نرود، نبیند، نشنود و لمس نکند، نمی‌تواند تجربه کسب کند.

حسین زاده: علت حضور ما، در مدرسه

شمالین بود که از طریق آقای پرویزیان، مطلع

شدیم شما کلاس‌های درسی مدرسه خودتان را به صورت تخصصی سازماندهی کرده‌اید، یعنی مبلمان کلاس‌های خود را متناسب با درس سازماندهی کردید و به جای چرخش معلمان، دانش‌آموزان در کلاس‌هایی که برای هر درس مناسب است، استفاده فرمودید. چرا؟! به طور مشخص، آیا این تغییر را خود شما ایجاد کرده‌اید یا از جایی الهام گرفته‌اید؟

گودرزی: من چون علاقه داشتم، به مدارس موفق سرکشی می‌کردم و چون نماینده مدیران استان و ناحیه هم بودم از اداره درخواست‌هایی مبنی بر قرارداد دیدن و بازدیدهایی برای مدیران، از مدارس موفق در استان‌های مختلف کشور نمودم و خود من هم در آنها شرکت می‌کردم.

حسین زاده: به نظر شما آیا روش بازدید دسته جمعی مدیران مدارس موفق از مدارس یکدیگر تأثیر دارد؟

گودرزی: بله. روش الگوسازی روش بسیار مهم و موافقی است. در کشور همایش‌هایی برای تمام مدارس نمونه برگزار می‌شود و اولین سالی که برای ما همایش اختصاصی برگزار کردند، در شیراز بود که به مدت ۱۰ روز تمام مدیران مدارس دولتی و مسئولین آموزش و پرورش کشور آنجا جمع شدند و برای ما کلاس‌های ضمن خدمت و همچنین کلاس‌های تبادل تجربه برگزار می‌کردند. به هر حال از نقاط قوت و ضعف خود و دیگران آگاهی پیدا می‌کردیم. مدیران کارهای ابتکاری و نوآورانه خود را آنجا آرایه می‌دادند که ما نیز استفاده می‌کردیم. وقتی که می‌دیدیم یک طرح در نظر جواب داده، یاد می‌گرفتیم و در مدرسه خودمان پیاده می‌کردیم. برحسب علاقه‌ای که داشتیم، می‌خواستیم کار جدید و چشنگی را انجام بدهیم. مثلاً از جمله کارهایی که من فکر می‌کنم در انجام آن موفق بوده‌ام، عبارت است از: برقراری رابطه صمیمانه با دانش‌آموزان، همیشه تماس مستمری با بچه‌ها دارم. می‌شود گفت که بچه‌ها را تا یک حدودی درک می‌کنم. به خصوص در دوره‌هایی تحصیلی راهنمایی تحصیلی، چون سنین بحرانی زندگی دانش‌آموزان است و در این دوره نیازهای شدید شخصیتی دارند.

برای برقراری یک تماس مستقیم و بهتر با دانش‌آموزان اقدام به راه‌اندازی صندوقی به نام «مکاتبه با مدیر» نمودم، نه انتقادات و پیشنهادات. من انتقادات و پیشنهادات زیاد را رد می‌کنم. چون که بچه‌ها یاد می‌گیرند که دایم انتقاد کنند و همیشه یک حالتی داشته باشند که همه چیز را زیر سؤال ببرند. ولی وقتی می‌گوییم مکاتبه با مدیر به آنها تفهیم می‌کنیم که وقتی می‌خواهند با مقامی بالاتر از خودشان مثل مدیر، معاون و معلم خود صحبت کنند، نحوه نوشتن آنها باید



مصاحبه و مستندسازی (۱۳۷۹) ویرایش (۱۳۸۸): غلامحسین حسین زاده یوسفی و مریم رنجبری

رابط، رئیس انجمن اولیا، مشاور، همکار پژوهشگر (۱۳۷۹): محمد علی پرویزیان

آماده کردن متن مصاحبه برای نشر (۱۳۸۸): علی اکبر پیرزاد

حسین زاده: من در این جا، یک مدل منسجم و متشکل از: مدیریت، فضا، تخصص و آموزش و یکی هم در نظر گرفتن خود دانش آموزان را می بینم. در واقع از هر زاویه ای که نگاه کنیم، یک مدل مطلوب می باشد. حال از خود بچه ها در مورد تجربه ای که از این مدل داشته اند، می پرسیم که چه احساسی در مورد کلاس تخصصی خود و شیوه آموزشی دارند؟

عسگری: بچه ها نظر شما در مورد کارگاهی که از آن استفاده می کنید چیست؟ آیا این روش و سبکی که شما استفاده می کنید خوب است یا آن روش و سبکی که بچه های دیگر دارند و فقط از تخته سیاه استفاده می کنند؟ چه تفاوتی دارد و شما از به کار بردن این سبک برای تعلیم هنر چه نظر یا احساسی دارید؟

دانش آموز: این شیوه بهتر است، یعنی به صورت کارگاهی خوب است. چون نقاشی و طراحی کردن انگیزه می خواهد و ما نیز این انگیزه و اشتیاق را، از در کنار هم بودن با همکلاسی های خود به دست می آوریم.

عسگری: اکثر کارهای بچه ها در نوع خود زیبا هستند. البته ماه هنوز به مرحله «آبرنگ» نرسیده ایم ولی بزودی با بچه ها هم آبرنگ و هم سفال کار خواهیم کرد. نمونه کارهایشان را می توانید ببینید. البته برای انجام آن به امکانات بیشتری نیاز داریم.

حسین زاده: یعنی شما تمام تجهیزاتی را که برای طراحی و نقاشی لازم دارید، در همین کلاس قرار داده اید؟

عسگری: بله. همین طور است.

راهروی مدرسه - ۱

حسین زاده: نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، این است که چطور توانسته اید، کاری کنید تمام تجهیزات مدرسه مثل میز، صندلی و دیوارهای کلاس ها سالم بمانند و آسیبی نبینند؟

گودرزی: کاری که در این زمینه صورت گرفته این است که ما برای بچه ها شماره هایی تعیین و ثبت کرده ایم. مثل شماره روی یک صندلی و... یعنی اگر هر صندلی خراب شود، ما از خودش می خواهیم. ما به گونه ای به آنها تفهیم کرده ایم که اگر صندلی شما خراب شود، خودتان باید متقبل شوید. که البته قصد داریم این شماره ها را روی صندلی نصب کنیم.

حسین زاده: آنها موقع امتحان نیز از همان صندلی استفاده می کنند؟

گودرزی: بله، همان صندلی. چون ما طی یک لیست که از قبل تعیین شده است، این صندلی را برای این دانش آموز ثبت کرده ایم که لیست آن در اختیار معاون است.

داده اند، خیلی خوب است چون بچه ها در اینجا آن کارهای هنری که بچه های دیگر از روی علاقه آنها رسم کرده اند، می بینند و علاقمند می شوند. حتی من نمونه کارها و نقاشی هایی را که خودم کشیده ام را نیز به بچه ها نشان می دهم. کارهایی که روی تخته انجام می شود تا جلسه بعد، همچنان بر روی تابلوها باقی می ماند تا اگر کسی ایرادی داشته باشد با توجه به آن، مشکل خود را برطرف کند. همچنین بچه ها، خود نیز دارای تجربیاتی هستند که به یکدیگر انتقال می دهند و از وجود همدیگر استفاده می کنند.

حسین زاده: آیا بچه ها هم ارتباط دارند؟
عسگری: بله، ارتباط دارند و این ارتباط گروهی است و تا جایی که ممکن باشد نهایت استفاده را از تجربیات هم می برند. به طوری که هر گروه دور یک میز می نشینند با کمک و همکاری هم فعالیت می کنند. به نظر خیلی خوب است که هر درسی یک کلاسی مختص خود را داشته باشد، چون یادگیری در آنها کاربردی و عملی تر است. چون از این طریق ارتباط دانش آموزان بیشتر می شود. در ارتباط با مسایل مربوط به آن درس هایشان قرار می گیرند.

آقای پرویزیان: در واقع یک یادگیری مشارکتی روی می دهد. یعنی علاوه بر اینکه به فنون برقراری ارتباط با یکدیگر در جمع، به صورتی خودآگاه و تجربی دست می یابند، می توانند در یادگیری و رفع مشکلات درسی به یکدیگر مؤثر واقع شوند و به صورتی گروهی یاد بگیرند. یعنی یک پیشرفت تحصیلی و اجتماعی گروهی برایشان اتفاق می افتد.

حسین زاده: شما چه تخصصی دارید؟
عسگری: من فوق دیپلم هنر دارم. ولی شرایط طوری ایجاد شد که من نتوانستم ادامه بدهم، ولی مدرک ممتاز خوشنویسی هم دارم.

حسین زاده: شما وقتی به خطرات دوره تربیت معلم خود مراجعه می کنید، آیا کلاس درسی شما تخصصی بود.

عسگری: در حال حاضر کلاس ما، تنها مختص به خط و نقاشی است. اما کار ما در تربیت معلم رشته هنر «تئاتر» و «موسیقی»، «فن بیان»، «گرم»، «دکور» و... یعنی در رابطه با کارهایی فوق برنامه بود.

حسین زاده: آیا شکل کلاس های شما در تربیت معلم، به صورت کارگاه تخصصی و جداگانه بود یا به صورت تئوری و نظری؟

عسگری: بعضی از درس هایمان مثل کلاس های «مجسمه سازی» و کلاس «موسیقی» جدا بودند و بعضی از کلاس هایمان جدا نبوده و به صورت تئوری برگزار می شد و مثل مدارس دیگر بود. اینها حاصل سال ها تجربه و تلاش است.

به چه صورتی باشد و حتی وقتی که می خواهند از چیزی انتقاد کنند، و منظور از انتقادی که می گویم و رد می کنم این است که اگر چیزی را از مدیر می خواهند و قصد بیان اشتباه یک مدیر را دارند، خواسته خود را باید با یک لحن مؤدبانه و محترمانه بنویسند. اگر نامه هایشان حالتی دستوری یا حالتی باشد که بچه ها را گستاخ بار بیورد، به این گونه سوالات جواب نمی دهم. ولی در صورتی جواب نشان را می دهم که یاد بگیرند که با مسئولین خود چه طور صحبت کنند و چه طور برخورد کنند و لحن بر خورد، لحن نوشتن و صحبت کردن شان مؤدبانه باشد. بچه ها خوب می نویسند، با اسم «مرز گل ها»، نامه هایی را می نویسند و برای من می فرستند. من مسایلی را که از داخل این نامه ها می گیرم و بیرون می آورم با بچه ها صحبت می کنم، ولی آنها را نمی شناسم با رمز گل ها برایشان نامه می نویسم.

با دبیران تماس نزدیک دارم. من به شورای دبیران خیلی اهمیت می دهم و برای آن وقت می گذارم. شورای دبیران را در ساعات کلاسی قرار نمی دهم و برگزاری آن متأثر از بار مالی اضافی برای آموزش و پرورش نیست. یعنی این طور نیست که چون مسئله مالی شان در میان است، آن را در ساعات کلاس قرار دهم. چون برخی می گویند برای برگزاری ۲ ساعت جلسه در ساعت کاری مدرسه، مسئله مالی تعلق می گیرد. بیشتر مدارس این را می گویند ولی من این را جزو مسایل کار موظف گذاشتم. یعنی شورای دبیران باید انجام شود و جزو کار آنها است. ماهی یک بار جلسه شورای دبیران مدرسه برپا است. تصمیم گیری ها در شورای مدرسه انجام می شود. به شورای دبیران خیلی اهمیت می دهم و برایشان احترام قابل هستم و از محیطی صمیمانه برخوردار است. اگر محیط، محیطی صمیمانه نباشد و همچنین محیطی که در آن امنیت نباشد، یعنی اینکه آنها احساس آرامش و امنیت نکنند، آن جلسات نتیجه بخش نخواهد بود. برای مثال اگر معلمان در رو در روی هم یا رو در روی من قرار گیرند، نمی توانیم کار کنیم. اگر دبیری دیر بیاید یا تأخیر داشته باشد توجه خاصی ندارم (مثلاً اگر دبیرم ۱۰ دقیقه دیر کرده، من مدام به ساعت نگاه کنم، مدام راه بروم تا اینکه دبیرم بیاید)؛ و بیشتر علت را جویا می شوم تا بتوانم اگر مشکل خاصی دارد به او کمک کنم.

به همراه مدیر محترم مدرسه برای آشنایی با قسمت های مختلف مدرسه بازدید خود را آغاز می کنیم.

۱. کلاس هنر:

معلم کلاس، خانم عسگری: کلاس هنری که خانم گودرزی برای بچه ها اختصاص

حسین زاده: به طور کلی آیا در این محیط جنبه‌های تخریبی بچه‌ها دیده شده یا نه از قبل مهار شده است؟

گودرزی: نه، مهار شده است. چون ما چنین زمینه‌ای نداریم و بعد از این دانش‌آموزان شایسته دیگری نداریم، فقط خودشان هستند. چون از صبح تا بعد از ظهر در همین کلاس‌ها هستند و همین جا درس می‌خوانند، غذا می‌خورند، و اگر زیر صندلی خود را کثیف کنند، خودشان باید آنجا را تمیز کنند.

حسین زاده: یعنی در اینجا خدمتگذاران هم خیلی کم کار می‌کنند.

گودرزی: بله، با توجه به این که این مدرسه سه طبقه می‌باشد، ولی تنها خدمتگذار مدرسه خیلی کم کار می‌کند و کارش سبک است و این به خاطر این است که همه بچه‌ها در نظافت مدرسه خود مسئولند و منشأ این مسئولیت در این است که در صورت کثیف بودن زیر صندلی، معاون بهداشت و معاون مدرسه، طی لیست مشخص شده ای از صندلی‌ها، گزارش می‌دهند که زیر صندلی شماره... که متعلق به... کثیف می‌باشد. (در جریان بازدید از داخل سالن مدرسه متوجه تابلوهای متعددی شدیم که مطالبی را جهت

گودرزی: نه، چنین سابقه‌ای ندارد. حتی پیش آمده که بچه‌ها لباس خود را جا گذاشته‌اند و فردا وقتی که آمده‌اند مشکل و موردی پیش نیامده است، در واقع در این زمینه یک نوع فرهنگ‌سازی انجام گرفته است.

۲. کلاس طرح و مطالعه

گودرزی: کودکان و نوجوانان باید از شروع تحصیل به مطالعه و کتابخوانی ترغیب و تشویق شوند تا عادت به تحقیق و پژوهش در آنان پرورش یابد.

معلم کلاس طرح و مطالعه: اینجا کلاس اول نمونه شبانه روزی است. در دو هفته اول ما طرح‌های سال‌های گذشته را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهیم و این طرح‌ها را بررسی می‌کنند و در واقع با کار مطالعاتی و تحقیق کردن آشنا می‌شوند. در کل می‌خواهیم که با کارهای گروهی آشنا شوند و از نمونه کارهای دانش‌آموزان سال‌های گذشته یاد بگیرند که چگونه تحقیق کنند و مراحل مختلف تحقیق را پشت سر بگذارند. بعد از این دو هفته ما کارهایی را در اختیارشان می‌گذاریم که انجام دهند و برای این کار برگه در اختیارشان قرار می‌دهیم تا شروع

تحقیقاتی نداریم.
حسین زاده: یعنی در اینجا با روش تربیتی و همچنین منش پژوهشی ما نوس می‌شوند؟
معلم کلاس طرح و مطالعه: بله. همین طور است.

حسین زاده: اگر اجازه بفرمایید می‌خواهم، وضعیت و تأثیر این نوع محیط و آموزش را از زبان یکی از دانش‌آموزان حاضر در کلاس جویا شویم.
گودرزی: بچه‌ها، نظر شما راجع به تجربه طرح مطالعاتی چیست؟

یکی از بچه‌ها: زنگ خیلی خوبی است. ما در این زنگ کنار دوست‌های خود می‌نشینیم بحث و صحبت می‌کنیم، و یاد می‌گیریم به نظرات هم احترام بگذاریم و در جامعه آینده نیز همین طور باشیم. یعنی تحقیق کنیم و کار گروهی انجام دهیم و این برنامه خوبی است که در آینده بتوانیم همچنان تحقیق و جستجویمان را ادامه دهیم.
پرویزیان: شما کتاب‌های مورد نیاز خود برای تحقیق را از کجا تهیه می‌کنید؟
دانش‌آموز: از کتابخانه مدرسه.

۳. کلاس سمعی و بصری «جغرافیا»
حسین زاده: بچه‌ها، چه چیزهایی در اینجا



اگر در کار مدیر یا معلم و یا هر کسی که در آموزش و پرورش سمتی را قبول می‌کند علاقه وجود داشته باشد، نتیجه تلاش او به موفقیت و کارآیی می‌انجامد. ولی اگر علاقه‌ای در کار او نباشد، موفق نخواهد بود. پس در چه اول موفقیت، علاقه می‌باشد

برای آموزش و یادگیری بهتر جغرافی فراهم شده است؟

دانش‌آموزان: کره، نقشه، فیلم، تلویزیون، اسلاید، اورهد و ...

حسین زاده: برنامه آموزشی شما در این کلاس چیست؟ شما به جای تدریس از روی کتاب، از رسانه‌ها، منابع آموزشی یا روش‌های دیگری که تحت عنوان فناوری آموزشی از آنها یاد می‌شود، استفاده می‌کنید. آیا این مسئله نگرانی اولیای دانش‌آموزان را در پی نداشته است؟ آیا تنوع بیشتر در کار شما، برای بهتر یادگرفتن دانش‌آموزان است؟

معلم کلاس جغرافیا: در مورد اینکه آیا اولیا نگران این مسئله می‌شوند یا نه، باید بگوییم که بله، چون این کار جدید است و اولیا می‌خواهند که بچه‌ها تا دانشگاه از روی کتاب درس بخوانند تا حدودی نگران این مسئله هستند. البته تا این مورد بین اولیا جا بیفتد، کمی طول می‌کشد، ولی مؤثر است. چون این روش جدید است و یک نوع نوآوری در تدریس و یادگیری است باعث ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان می‌گردد. تفاوت مدارس معمولی با مدارس نمونه به این گونه است که در مدارس معمولی دانش‌آموزان با وقت کم و امکانات کم باید خود نقشه تهیه کنند و فعالیت بیشتری را در داخل خانه انجام دهند و بیشتر هم از روی

به نوشتن حاشیه‌هایشان کنند. برخی حاشیه‌هایشان را انجام داده‌اند و فقط محتوای تحقیق‌شان باقی مانده است که در حال حاضر مشغول نوشتن داخل یا تهیه محتوای آن هستند. این امر تا به حال در مدارس متداول نبوده است. حتی در حال حاضر هم مدارس این گونه عمل نمی‌کنند، ولی من از همان بدو تأسیس مدارس نمونه دبیر این طرح بوده‌ام و هر سال برخی از کارهایی را که احساس کردم می‌تواند مفید باشد را به موارد قبلی اضافه کرده و برای دانش‌آموزان جدید به کار می‌برم و سعی می‌کنم که این مطالب را به آنان انتقال دهم.

حسین زاده: انتقال تجربیات شما از یک سال به سال بعدی چه تأثیری دارد؟ آیا کارآیی دارد؟

بله، صد در صد تأثیر دارد. ما سعی می‌کنیم پایان هر سال طرح‌هایمان را در کلاس بخوانیم. همکاران ما در مدارس نمونه، اولیایی که در دانشگاه‌ها تدریس می‌کنند یا استاد دانشگاه هستند و یا در جاهای دیگر مشغول هستند، مثل آقای پرویزیان که مسئول آموزش و پژوهش و استاد دانشگاه هستند و برخی دیگر از همکاران ما با بچه‌هایی که از مدارس راهنمایی نمونه آمده‌اند، هیچ مشکلی در مورد انجام طرح‌های مطالعاتی و

مطالعه و افزایش آگاهی دانش‌آموزان بر روی آنها نصب شده بود.

حسین زاده: از نظر شما، کدام یک از کارهایی که بچه‌ها انجام می‌دهند جزو نوآوری محسوب می‌شود.

گودرزی: مثلاً نصب نقاشی وقوع زلزله در تابلو و غیره... که بعد آنها را برداشته و موارد دیگری نصب می‌کنند.

حسین زاده: این تابلوهایی که نصب شده است جزو مواد استاندارد شده بوده و از اداره برای شما ارسال شده است یا خودتان این کار را انجام داده‌اید.

گودرزی: خودم این کار را انجام داده‌ام. چون فقط ساختمان خالی را در اختیار من قرار داده‌اند. خودم تمام وسایل مدرسه را فراهم کردم. وقتی به من گفتند که نیمکت ببرید، من قبول نکردم و گفتم باید صندلی باشد. همان تابلوهایی را نیز که می‌فرمایید، من در تهران طی همان بازدیدهایی که قبلاً گفتم آنها را دیدم و برگرفته‌ای از همان بازدیدها است. لذا چنین تابلوهایی را تهیه و در مدرسه نصب کردم.

حسین زاده: در مورد این لباس‌هایی که بچه‌ها بیرون از کلاس بر رخت آویز، آویزان کرده‌اند. آیا موردی پیش نمی‌آید که مثلاً گم شود و ... آیا سابقه هم ندارد؟

راهروی مدرسه - ۲

پرویزیان: نکته قابل توجهی که بسیار خودنمایی می کند و می تواند نقش مهمی را ایفا کند، این است که در تمامی کلاس‌هایی که فعالیت‌های یادگیری باید عملاً و یا گروهی انجام شود، تابلوهایی تعبیه شده است که نمونه کارهای دانش‌آموزان را بر روی آن به نمایش درآورده اند. این مسئله علاوه بر این که فضای فیزیکی کلاس را به نحوی زیبا می‌آراید، موجب ایجاد انگیزه و روحیه‌ای مضاعف در دانش‌آموزان جهت یادگیری بیشتر و میل به به‌نمایش درآوردن توانایی‌ها و هنرشان می‌گردد. که این مسئله در کلاس‌هایی مثل «هنر»، «خوشنویسی»، «حرفه فن»، «طرح مطالعاتی» و «جغرافیا» بسیار به چشم می‌خورد.

۷. کلاس ریاضی

حسین زاده: تبدیل مفاهیم و اشکال انتزاعی کتاب ریاضی به مفاهیم عینی و ملموس با نقش عملیاتی دانش‌آموزان در یادگیری و بالابردن سطح کیفیت آن. در کلاس ریاضی نیز مانند دیگر دروس کم‌دی تعبیه شده است که در آن نمونه کارهای عملی، تحقیقات و کاردستی‌های دانش‌آموزان که مرتبط با درس ریاضی و مفاهیم

بچه‌ها را به وسیله همان فعالیتی که در کلاس‌ها دارند و بالاخص، اخلاقی درست که بچه‌ها از خود بروز می‌دهند، ارزشیابی می‌شوند و همیشه هم نمرات بچه‌ها ۲۰ است.

۵. کلاس حرفه و فن

حسین زاده: در این کلاس چه امکاناتی وجود دارد و چه امکاناتی وجود ندارد و چه هدف‌هایی را دنبال می‌کنید؟

معلم حرفه و فن: ما همان هدفی که کتاب حرفه و فن برای ما مشخص کرده است را دنبال می‌کنیم. اما در این کلاس به غیر مواد درسی، مواد دیگری هم یاد داده می‌شود. مواردی که دختر در آینده اش بیشتر به آن نیاز دارد، یاد داده می‌شود. چون او در موقعیت‌ها و جایگاه‌های دیگری قرار می‌گیرد. مثلاً وقتی وارد خانه می‌شوند یک همسر و یا یک مادرند.

امکاناتی که در این جا فراهم شده است، به این صورت است که بچه‌ها به صورت راحت و گروهی کار انجام بدهند. ولی اگر به صورت کارگاه باشند، بهتر کار انجام می‌شود. چون در کلاس روی صندلی‌های دسته دار نمی‌توان، مثلاً «بافندگی» کرد و دسته صندلی مزاحم میله‌های بافندگی

کتاب درسی کار عملی انجام می‌دهند یا چیزی درست می‌کنند. ولی در اینجا، دانش‌آموزان کارهای عملی خود را با کار مشارکتی و در گروه تهیه می‌کنند. یعنی با فعالیت خودشان انجام می‌شود.

۴. اتاق نور، «کلاس قرآن»

فضای کلاس: (دانش‌آموزان روی موقت نشسته اند به طوری که مقابل هر نفر یک جلد «قرآن مجید» روی «رحل» قرار داده اند).

حسین زاده: بچه‌ها! درس خواندن در یک چنین جایی باین طرز نشستن بهتر است یا در کلاس روی نیمکت و صندلی؟ چرا؟

دانش‌آموزان: به این شکل، چون فضای اینجا روحانی است و باعث شده پیشرفت خوبی داشته باشیم.

معلم کلاس نور: البته مطالب آموزشی تئوری را در کلاس‌هایی که صندلی و تابلو وجود دارد آموزش می‌دهیم و در اینجا کارهایی مثل کارهای عملی و دیدن فیلم و گوش دادن به نوار، تفسیر سوره‌های قرآن را انجام می‌دهیم.

حسین زاده: آیا شما تجربه آموزش در کلاس‌های دیگر را که به این سبک نیست را



آن می‌باشد، در آن قرار داده شده است و همچنین تمامی رسم‌های بچه‌ها را بر روی تابلوهای داخل کلاس نصب نموده‌اند تا راهنما و الگوی سایر دانش‌آموزان قرار گیرد.

معلم ریاضی: ما در کلاس ریاضی سعی می‌کنیم که تا حد امکان دانش‌آموزان را با فعالیت و مفاهیم مورد نظر برای یادگیری درگیر کنیم تا یادگیری کامل تر، عمیق تر و کاربردی تری را در آنها ایجاد کنیم. در واقع ما سعی می‌کنیم در این کلاس‌ها مفاهیم انتزاعی و غیر ملموس ریاضی را توسط خود دانش‌آموزان به مفاهیم عینی، قابل لمس و قابل مشاهده و اندازه‌گیری تبدیل کنیم.

حسین زاده: ما بارها در بازدیدهای متعددی که از مدارس و نمایشگاه‌های مختلف داشته‌ایم، چنین نمونه کارهایی را دیده‌ایم. اما جالب است که هیچ کس این دستاوردهای خود را ثبت و ضبط نمی‌کند، که هم در اختیار دیگران قرار دهد و یا حتی در موارد بعدی که خود قصد استفاده از آنها را داشت، درباره تولید آنها به مشکل برخورد نکند. نکته‌ای که می‌توان به آن توجه کرد این است که می‌توان این نمونه کارهایی که توسط معلمان و دانش‌آموزان تهیه شده اند را با ذکر مشخصات پدید آورنده آن ثبت و ضبط نمود و در اختیار

اند و نمی‌توان پارچه را پهن کرد، برید و... ولی در کارگاه بچه‌ها آزادترند. در واقع ما به این کارگاه نیاز داریم.

حسین زاده: آیا شما بعد از انجام کار مشکل این را ندارید که احیاناً وسایل گم شود و یا خراب شود؟

معلم حرفه و فن: نه، چون کارهای بچه‌ها بعد از کلاس در کم‌دی قرار گرفته و کم‌دی هر کلاسی مشخص شده است و در اتاق تا کلاس بعدی قفل می‌شود. کار دیگر که انجام می‌شود این است هفته‌ای دو نفر از دانش‌آموزان نظافت کردن اینجا را به عهده دارند و این کار بین بچه‌ها تقسیم شده است.

حسین زاده: پس آن شکل کلاس و نگاهی که معلم به درس دادن و همچنین نگاهی که مدیر نسبت به درس دارد، همه باید با هم هماهنگ و منطبق شود تا چنین فضایی شکل گیرد. آیا به این شکل نشستن روی زمین در این کلاس، آن هم به مدت طولانی برای بچه‌ها خستگی به دنبال ندارد؟

معلم حرفه و فن: نه، چون در این جا بچه‌ها به صورت گروهی در می‌آیند و در جنب و جوش هستند و کمتر می‌شود که خسته شوند. در کل برای بچه‌ها آزادی عمل برای نشستن و برخاست وجود دارد.

دارید؟ چگونه است؟ این کلاس‌ها با آنها چه تفاوتی دارند؟

معلم کلاس نور: این فضا را طوری برای بچه‌ها فراهم کرده‌ایم که تحت تأثیر حال و هوای قرآن و معلم اول قرآن قرار بگیرند و استفاده کنند. برای انجام تفسیرهایی که گفتیم از تفسیرهای داخل کتابخانه مدرسه استفاده می‌کنند و اگر نیازی به راهنمایی داشته باشند آنها را راهنمایی می‌کنیم. و بعداً اگر وقت شود تفسیرها را در کلاس می‌خوانند و بقیه هم متوجه می‌شوند آن سوره در چه رابطه‌ای است و معانی، مفاهیم و حوادثی که در آن اتفاق افتاده است را تا جایی که بتوانند درک کنند، پی‌می‌گیریم.

حسین زاده: حال با توجه به تجربه شما، آیا این فضا به یادگیری، علاقه و پیشرفت بچه‌ها کمک می‌کند؟

بله، چون بچه‌ها کلاس را با سلیقه، ذوق و علاقه خود نقاشی کرده اند، تفسیرهای قرآن را نیز روی دیوار نصب کرده اند و فضای زیبایی را طراحی کرده‌اند.

پرویزیان: آیا پیش آمده که در این فضا با بچه‌ها در مورد نمره و یا امتحان صحبت شود؟

معلم کلاس نور: خیر، به بچه‌ها گفته شده است، کلاس قرآن، کلاس درس نیست. یعنی

دیگران قرار داد.

البته ما الگوها و نمونه‌های فراوانی از این نوع محصولات آموزشی را در کتاب‌ها و منابع آموزشی داریم، اما متأسفانه افراد متخصصی که بتوانند این یافته‌ها را به صورت تخصصی و عملی اجرا کنند و زمینه استفاده دیگران را نیز فراهم کنند، نداریم یا بسیار کم داریم. لذا پیشنهاد من برای شما این است که: حال که شما هم دانش ساخت و همچنین تجربه استفاده از این ابزارها و وسایل آموزشی را دارید، می‌توانید دستاوردها و نمونه کارهای خود و شاگردانتان را همراه با توضیحات مربوط به آن، در هنگام آموزش، با مشخص کردن نوع فعالیت‌های دانش‌آموزان کلاس در حین یادگیری، سؤالات مربوط به این بخش و نیز نتیجه‌گیری‌های حاصل از آن را در یک «کارت فایل» مستند کنید و بعد از آن تحت عنوان یک محصول آموزشی یا فیلم آموزشی گردآوری نموده و زمینه انتشار آن را برای استفاده دیگران فراهم آورید. حتی از عواید آن نیز منتفع گردید که این عمل برای دیگر معلمان به خصوص معلمان جوان نیز مفید خواهد بود و می‌تواند «راهنمای عمل» آنها گردد. آیا شما تا به حال، این محصولات و یافته‌ها

برداشتن و دوباره قرار دادن اشکال موجب می‌شود که روابط را از جهات و در حالت‌های مختلف بررسی کنند.

(۲) کار عملی در زمینه گسترده شناسایی اشکال هندسی

(۳) تمامی اشکال و حالت‌های مختلف «دوران» تهیه شده است.

(۴) یک کاردستی در مورد دوران به صورت «مخروط»، «نیم دایره»، «کره» که برای درس هندسه ۳ کاربرد دارد و برای شناسایی اشکال فضایی مثل مخروط و ... که در این جا با استفاده از یک آرمیچر و یک مثلث قائم الزاویه که در این مدل «مثلث» به وسیله برق کار می‌کند و می‌چرخد که ساده به نظر می‌رسد. می‌توان برای آموزش مفاهیم اساسی و مهمی در ریاضی از آن استفاده نمود. حتی با تغییر مثلث و قرار دادن یک دایره و نیم دایره به جای مثلث اشکال دیگری مثل کره و دایره را نیز به صورت عینی دید و تجسم آنها را برای دانش‌آموزان راحت تر کرد.

(۵) کار عملی حلقه و نخ نیز وجود دارد که عملاً در کلاس مورد استفاده قرار می‌گیرد و کمک

حسین زاده: یک چیزی مهمی که در این مدرسه دیده می‌شود، یک سلیقه نظم و انضباط و تمیزی است که نشان می‌دهد که «نگاه مدیریت» در مدارس بر همه امور اولویت دارد و حرف اول را می‌زند و باعث این همه نظم است. چون اگر غیر از این باشند این همه نظم نخواهد بود. یعنی اگر ارتباط دانش‌آموزان، معلم، تجهیزات، ساختمان و ... درست مدیریت شوند، خود را نشان خواهد داد و این نشان از این است که همه چیز به مرور و با مشارکت دیگران و دانش‌آموزان «رو به بهبود و سامان یافتن» است.

گودرزی: نه تنها در مدرسه، بلکه هر کجا نظم باشد این امر صادق است. در آموزش و پرورش مدیریت، دلسوزی و علاقه خیلی مهم است، چون خود ما الگوی معلمان هستیم. مثلاً من اگر چیزی از دبیر یا بچه‌ها می‌خواهم، اول به خودم نگاه می‌کنم؛ یعنی اگر می‌خواهیم که انضباط رعایت شود که البته همه آنها منضبط اند، ولی اگر کسی نقضی داشته باشد، به من نگاه می‌کند که اگر دیر می‌کند، نگاه می‌کند که آیا مدیر و یا معلم و یا بچه‌ها آمده‌اند. ولی اگر ببیند که مدیر همیشه سروقت حضور دارد، خجالت می‌کشد که



دیر بیاید. وقتی آموزش و پرورش جلسه برگزار می‌کند که خیلی وقت‌ها برایم سخت است که در آن شرکت کنم، چون احساس می‌کنم حضورم در مدرسه مهمتر از این است که به خیلی از این جلسه‌ها بروم.

حسین زاده: اگر روزی شما و این دلسوزی‌های خاص شما نباشد، «خودکاری این سیستم» بعد از شما چقدر است و چقدر دوام می‌آورد؟

گودرزی: الان در محدوده خودم به گونه‌ای است که تمام دبیران خودکار شده‌اند، یعنی آموزش و همکاری طوری بوده است که اگر یک روز نیایم، می‌بینم از خودم بهتر اینجا را اداره می‌کنند.

حسین زاده: یعنی شما در اینجا این ارزش‌ها را درونی کرده‌اید و اگر شما یک روز باز نشسته شوید و یا به جایگاه بالاتری بروید این سیستم وصل به شما نیست؟

گودرزی: من دوست دارم که در هر سیستمی، اولاً تثبیت مدیریت‌ها و سالم سازی مدیریت‌ها که به آن خیلی عقیده دارم وجود داشته باشد و بعد از این که مدیری بازنشسته و یا از مقطعی به مقطع دیگر برود باید از همان مدرسه

زیادی در فهم مفهوم مساحت «دایره» با استفاده از مساحت «نیم کره» می‌نماید. به این صورت که نخ را به دور سطح نیم دایره می‌پیچانیم و آن را با نخ روی سطح نیم دایره مقایسه می‌کنیم و به این صورت ثابت می‌شود که مقدار نخ پیچیده شده روی «دور نیم دایره» دو برابر مقدار نخ روی «سطح نیم دایره» است و نتیجه می‌گیریم که مقدار نخ «حول دایره عظیمه» چهار برابر مقدار نخ روی «سطح نیم دایره» است.

(۶) برای آموزش حجم نیز ظروفی با اشکال مختلف ساخته شده‌اند که با پر کردن آنها از موادی مثل برنج یا ... در مقایسه با اشکال دیگر حجم ظروف مختلف را اندازه می‌گیریم.

(۷) پاکت نامه فیثاغورث: این پاکت نامه که توسط خانم بادکوبه‌ای طراحی شده و سال‌ها است که از آن استفاده می‌شود که در آن بچه‌ها تحت عنوان «نامه به فیثاغورث» مفاهیم را روی برگه‌هایی نوشته و داخل پاکت قرار می‌دهند.

(۸) مجموعه‌ای از رسم‌های سال سوم راهنمایی توسط دانش‌آموزان که آن را به صورت گلبرگ‌های گل کنار هم قرار داده‌اند و به صورت خلاقیت از خود بروز داده‌اند و ما نیز برای این خلاقیت‌ها نمره و امتیازی قایل می‌شویم.

دفتر مدیر مدرسه - ۱

و تجربه‌های آموزشی مدرسه خودتان را مستند کرده‌اید؟ چه تصمیمی در این رابطه دارید؟

معلم ریاضی: بنده بارها با چنین قصدی حرکت کرده‌ام اما متأسفانه بنا بر برخی مشکلات از ادامه اجرای آن کار باز مانده‌ام.

پرویزیان: با توجه به مشاهدات و مستندات می‌توان چنین نتیجه گرفت که «دیدگاه یاددهی و یادگیری» در این مدرسه، ترکیبی از «نظریه و عمل» می‌باشد. یعنی علاوه بر این که تئوری‌ها و نظریه‌های علوم مختلف به دانش‌آموزان عرضه می‌شود، دانش‌آموزان را به صورتی عملی و فعالانه در فعالیت‌های یادگیری شریک می‌نمایند، با یادگیری در آنها به صورتی عمیق، عملیاتی و کاربردی صورت پذیرد.

معلم ریاضی: برخی نمونه‌های کار عملی دانش‌آموزان عبارت‌اند از:

(۱) کار عملی برای آموزش رابطه «فیثاغورث» در درس هندسه: که به دو صورت ساخته شده است، یکی با استفاده از چوب و دیگری با استفاده از مقوا. در این روش تکه‌های چوب را به اشکال مختلف هندسی طراحی کرده و به اطراف آنها آهن‌ربا چسبانده‌اند و به هر صورت و در هر جایی که بخواهند قرار می‌دهند. در شکل مقوایی هم به همین صورت انجام پذیرفته است. قابلیت

بیشتری را کنار خانواده خود سپری کنید؟

گودرزی: من ساعات بیکاری بچه‌ها که سه ساعت در هفته است را در آخر هفته قرار دادم و پنج‌شنبه‌ها دانش‌آموزان را آزاد گذاشته‌ام. برای این که کلاس اولی‌ها، چهارشنبه بعد از ظهر به خانه خود بروند؛ و شنبه صبح به مدرسه بیایند. حتی اگر دیر برسند از درس عقب نمی‌افتند. دروسی مثل قرآن و پرورشی را اول وقت قرار داده‌ام که بیشتر با آنها مانوس هستند و دروس سبک‌تری هستند تا اگر عقب افتادند زودتر خود را به درس برسانند.

حسین زاده: شما در برنامه‌ریزی خود به مسایل و جنبه‌های روان‌شناسی هم توجه می‌کنید؟

گودرزی: بله. چون مدرسه آموزش خانواده بوده‌ام، بارها کلاس‌هایی را که مثلاً ۱۲۰ ساعتی و یا ۱۲۴ ساعتی خانواده را با مدرسین مختلف و استادان اهل فن گذرانده‌ام. خود نیز در کم و کیف قضایا هستم. گاهی پیش می‌آید که از من می‌خواهند تا به خوابگاه بروم که در حل بعضی از مسایل کمک‌شان کنم. در کل رسیدگی به مسایل کاری خاص آنها، صبر و حوصله‌ای فراتر از مدیریت را طلب می‌کنند که می‌توان نام

کار نشان داده‌اند که تخته‌سبز کلاس هم جزو وسایل ارزش و نگاه‌داشتنی می‌باشد. شما چگونه فرهنگ نگهداری تابلوی کلاس را به بچه‌ها منتقل کرده‌اید؟

گودرزی: ما به بچه‌ها تفهیم کرده‌ایم و با آنها کار کرده‌ایم. یعنی به بچه‌ها یاد داده‌ایم، تکرار کرده‌ایم. پس باید آنقدر تعلیم داد تا تربیت بشوند. بیشتر بچه‌های کلاس هر کدام سمتی دارند. بیشتر آنها در مسایل پرورشی و انضباطی مدرسه دخالت دارند و حتی به آنها می‌گوئیم مدرسه مال شما است، هر جقدر قشنگ‌تر و زیباتر باشد، برای راحتی و بهتری کار شما است. سعی کنید یک طرح قشنگ و زیبا به مدرسه ارائه بدهید. نتیجه اش این است که خودتان راحت خواهید بود. اگر چیزی بر روی زمین افتاد خودم خم شدم و برداشتم و به بچه‌ها تفهیم کردم که نباید بریزند. باید خودشان این‌ها را جمع کنند و از این که دانش‌آموزی چیزی را از روی زمین بردارد، عارش نشود. حتی اگر کس دیگری اشغال بریزد، باید از او بخواهد که تمیز کند. خودمان این کار را کرده‌ایم و به الگویی برای آنها تبدیل شده‌ایم.

حسین زاده: آیا شما در طول مدتی که اینجا آمده‌اید به موردی از بچه‌هایی که روحیه تخریب

مدیر انتخاب بشود. یعنی مدیر مدرسه نباید از جای دیگری بیاید. یعنی کار مدیر سابق را کسی که داخل این مدرسه بوده می‌تواند ادامه بدهد. چون می‌داند نیازی نیست از نو بسازد و به همه چیز آگاهی دارد.

حسین زاده: فرض کنید، برای مدیریت اکثر مدارس کشور با سه مشکل اساسی زیر مواجه باشیم: الف- عدم همکاری و اعتماد متقابل، ب- عدم کشش مالی و ج- پیچیده بودن امور ناشی از عدم برنامه‌ریزی. شما این سه مشکل را چگونه در مدرسه خودتان حل می‌کنید؟

گودرزی: این مدرسه روزی که افتتاح شد دو ماه فرصت داشتند تا آن را تحویل بدهند. چون هنوز یک سری نواقص داشت و هم اکنون هم یک سری نواقص دارد، لذا قصد داشتند از تحویل آن خودداری کنند، که اگر من تلاش نمی‌کردم، در اول مهر ماه مدرسه ما آماده نبود. ولی با تلاش پی در پی من به همراه معلمین، به نحوی که از هر معلمی خواستم کلاس مخصوص خودش را تکمیل کند به طوری که الحمدالله در اول مهر، همه چیز تقریباً آماده بود.

من برای تمام درس‌هایشان آن ابزارهایی

من دوست دارم که در هر سیستمی، اولاً تثبیت و سالم‌سازی مدیریت‌ها وجود داشته باشد و بعد از این که مدبری بازنشسته و یا از مقطعی به مقطع دیگر برود باید از همان مدرسه مدیر انتخاب بشود. یعنی مدیر مدرسه نباید از جای دیگری بیاید. یعنی کار مدیر سابق را کسی که داخل این مدرسه بوده می‌تواند ادامه بدهد. چون می‌داند نیازی نیست از نو بسازد و به همه چیز آگاهی دارد



«رهبری» را بر آن نهاد.

پرویزیان: با توجه به این که یکی از فرزندانم در این مدرسه تحصیل می‌کند، باین مدرسه مانوس بوده‌ام. لذا برخی از کاستی‌ها را در استفاده از این سیستم آموزشی در دوره راهنمایی را به عرض شما می‌رسانم. با توجه به این که هر دبیری در اینجا از امکانات خاص خود استفاده می‌کند و سعی وافر دارد که به نحوی اکمل، شایسته و هدفمند تدریس خود را انجام دهد. اما در حال حاضر یک ماه از اول سال سپری شده و جلسه‌ای باین عنوان که وقت دانش‌آموزان در منزل خیلی گرفته می‌شود، تعیین کرده‌ایم و یکی از اضطراب‌هایی که معمولاً بچه‌ها در این نوع مدارس با آن مواجه‌اند، همین است که مثلاً هر معلمی به‌طور مستقل تکلیف و سفارش خود را می‌دهد. مثلاً معلمی نقاشی می‌خواهد، دیگری طراحی می‌خواهد و هم‌زمان یکی دیگر تحقیق می‌خواهد. یعنی معلمان دروس مختلف با هم هماهنگ نیستند. من به عنوان عضوی از انجمن با مدیریت صحبت کردم تا جلسه‌ای با دبیران تشکیل دهم تا بین آنها در فرآیند یاددهی-یادگیری این همکاری و هماهنگی را به وجود بیاوریم که وقت صرف شده دانش‌آموزان را در نظر بگیرند که مبادا با همه تجهیزات آنی که فراهم شده، دانش‌آموزان در منزل مورد ملالت و سرزنش اطرافیان قرار گیرند و باعث دلسردی و

داشته باشد و شما با او کار کنید برخورد داشته‌اید؟

گودرزی: در داخل مدرسه نه، ولی داخل خوابگاه چرا؛ و من فکر می‌کنم بچه‌ها به علت داشتن یک سری استرس‌ها، اضطراب‌ها و کمبودها وقتی می‌بینند که بچه‌های دیگر به خانه و کنار پدر و مادرشان می‌روند ولی آنها به خوابگاه می‌روند ناراحت می‌شوند و چون بچه‌اند گاه اتفاق افتاده است که پول همدیگر را برداشته‌اند و چیزهای دیگر که من اسمش را دزدی نمی‌گذارم. اینها به این طریق عقده‌های درونی خودشان را نشان داده‌اند. و این مسئله طبیعی است. به خاطر این که بچه‌ها در سنین بحرانی زندگی خود و سنین نوجوانی درست در بهترین سال‌های زندگی که باید کنار پدر و مادر و خانواده‌شان باشند، در اینجا زندگی می‌کنند. من این گونه «روش آوردن بچه‌ها» را به این‌جا صلاح نمی‌دانم. یعنی در دوره راهنمایی صلاح نیست، بچه‌ها از پدر و مادرشان جدا باشند. دو ماه اول سال با بچه مشکل‌گریه و زاری دارم. اینجا دو ماه اول بچه‌ها فکر می‌کنند در گوشه زندان هستند. مخصوصاً در سال اول، ولی سال دوم و سوم حتی اگر بیرون شان هم کنید، نمی‌روند. فقط دو ماه اول مشکل است. بعد از آن استقلال پیدا می‌کنند به طوری که دوست‌های خود را دعوت می‌کنند.

حسین زاده: آیا نمی‌شود ساعات مرخصی و رفت و آمد بچه‌ها را طوری تنظیم کرد که اوقات

که برای کار لازم بود را فراهم کردم. حتی مواد آموزشی متناسب با درس ادبیات فارسی و همچنین کتاب‌های مختلف را در کتابخانه قرار دادم تا که از کتابخانه مدرسه استفاده کنند. در درس انگلیسی و عربی هم از «لوح‌های» مختلف استفاده می‌کنند. درس‌هایی که به تخته‌سبز نیاز دارد، در کلاس معمولی انجام می‌شود. ولی کلاس‌های عملی در کلاس‌های تخصصی مدرسه انجام می‌شود. مثلاً اگر به کلاس درس ریاضی نگاه کنید می‌بینید بچه‌ها ریاضی را با نقاشی انجام می‌دهند که یک روش نو و جدید متناسب با فرهنگ کشور ما است. برای مثال در ژاپن دروس مختلف را همراه با موزیک آموزش می‌دهند. در ایران هم می‌توان به خاطر علاقه بچه‌ها به نقاشی انگیزه یادگیری زبان، ریاضی و عربی و ... را نیز در بچه‌ها به وجود آورد.

حسین زاده: طی بازدیدهای زیادی که از مدارس مختلف داشته‌ام، می‌دیدم که بچه‌ها اولین جایی را که تخریب می‌کنند تابلوی کلاس است، ولی نکته بسیاری جالبی که در این مدرسه دیدم، این است که اینجا اولین مدرسه‌ای است که من طی سال‌های متمادی دیده‌ام که نه تنها تابلوی کلاس تخریب نشده است بلکه حتی روی آن را تزئین هم کرده‌اند و نقاشی کشیده‌اند. با این

«پرخاشگری» بگنجد خیلی کم گزارش شده است. ولی موارد نادری هم که وجود داشته است به لحاظ سن و سالشان، معمولاً طبیعی به نظر می‌رسد. ولی باز هم اگر موردی بوده است، در بین بچه‌هایی که از خوابگاه استفاده می‌کنند، بیشتر بوده است. البته فشار روحی بیشتر و دوری از خانواده در این سن دلیل اصلی انجام این واکنش‌ها در بین بچه‌ها می‌باشد.

حسین زاده: این تعارض و درگیری‌ها، بین معلمین با دانش‌آموزان چگونه است؟

پرویز یان: دانش‌آموزان ما به شرط معدل بالا و قبولی در آزمون ورودی می‌توانند، وارد این مرکز شوند. پس، از یک نوع سطح برتری نسبت به دانش‌آموزان معمولی برخوردار هستند. معلمان هم باید بر همین مبنا دانش‌آموزان با هوش کلاس را بارور کنند. معلم و مربی باید بدانند با چه قشری از دانش‌آموزان در تماس هستند و باید با توجه به شرایط هوشی آنها، برنامه‌های خود را برای آموزش انجام دهد. مثلاً انجام تکالیف زیاد موجب خستگی دانش‌آموزان باهوش می‌شود. در واقع دانش‌آموزان باهوش از انجام تکالیف بیزارند که معلمین باید آنها را شناسایی و درک کنند.

حسین زاده: آیا معلمان دارای طرح درس می‌باشند یا به صورت تجربی حرکت می‌کنند؟ آیا این فضاها و تحرکات تجربی است یا تحرکات علمی - تجربی هم دارند؟ یعنی آیا طرحی نوشته یا نانوخته در ذهن شان دارند و آن را به عمل در می‌آورند؟ و باین امکانات و باین فضا و موقعیت مساعدی که وجود دارد و یک مقدار آزادی عملی که دارند، به آن عمل می‌کنند؟ یا نه همه چیز فی‌البداهه است؟ در پس این همه زیبایی که در ذات تعلیم و تربیت وجود دارد، کشاندن همه این حرکات به سوی هدفی مشخص چه طور تعقیب می‌شود؟

پرویز یان: عملکرد مدرسه حاکی از توجه به برنامه‌های مدون آموزش و پرورش می‌باشد. چون دو-سه ساعت دانش‌آموزان را آزاد گذاشته‌اند تا فوق برنامه‌ها را اجرا کنند و این مجموعه از آن دو-سه ساعت نهایت استفاده را برده و این چنین تخصصی کار می‌کنند. ضمناً به تجربه خودشان و تجربه دبیران آنها به مرور زمان اضافه می‌شود و مدرسه را به این چیزهایی که مشاهده می‌کنید، مجهز کرده‌اند که بچه‌ها در حال استفاده از آنها هستند.

احتمالاً باعث آزرده‌گی خاطر آنها فراهم شود. به خاطر جلوگیری از این ناهماهنگی‌ها، همین امروز جلسه‌ای با دبیران به خاطر اینکه هر کس وقتی که در نظر گرفته برای کار دانش‌آموزان و یا سفارش به او داده، باید بیش از حد استاندارد، وقت و توان دانش‌آموزان نباشد، آنچه که تکلیف هست در آموزشگاه انجام شود.

حسین زاده: یعنی شما می‌فرمایید که محلی باشد که میزان کاری که به دانش‌آموزان می‌دهند در آنجا مشخص باشد که از آن حد که مثلاً یک ساعت یا آساعت در روز است، در دادن تکالیف درسی افراط و تفریط نداشته باشند. اگر تکالیف یک روز زیاد بود، خود دبیران آن را به روز دیگری موکول کنند. یعنی معلمین باید برنامه‌ریزی کنند نه اولیا و خود دانش‌آموزان!

پرویز یان: البته در جلسه انجمن اولیا، این وظیفه را به من محول کرده‌اند که این هماهنگی را بین معلمین به وجود آورم تا ببینم که هر کدام چقدر سفارش کار، تکلیف کتبی و عملی برای دانش‌آموزان دارند که آنها را هماهنگ کنیم تا این نقایص بر طرف شود.

حسین زاده: شما که دخترتان اینجا درس



حسین زاده: یعنی شما برخی کاستی‌های آموزشی نسبت به تکالیف درسی دانش‌آموزان را در این مدرسه احساس می‌کنید؟

پرویز یان: بله، در جلسه انجمن و شورای دبیران این مسئله مطرح شد و مقرر شد که برای بهتر شدن کار و ایجاد هماهنگی کار آموزش و با توجه به تفاوتی که بین این دانش‌آموزان با دانش‌آموزان دیگر وجود دارد، آموزش‌هایی به معلمان داده شود.

حسین زاده: نکته مهمی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که ما آنچه را که اینجا می‌بینیم با معیارهای ما در مقایسه با فضای عمومی برای آموزش و پرورش بسیار مطلوب است، اما معیاری نداریم که تعیین کنیم، ارزش علمی این نوع شیوه‌های آموزش یا سازمان دهی در مقایسه با روش‌های دیگر و با توجه به هزینه‌هایی که دربردارد و یا مدیریت بسیار دلسوزان‌های که نیاز دارد، چه تفاوتی را نشان می‌دهد.

پرویز یان: من پیشنهاد می‌دهم اگر روزی قرار شد عملکرد این سیستم آموزشی را ارزیابی کنیم، برای پیشرفت تحصیلی ملاک عدد صفر تا بیست جایز نیست و برای پیشرفت مدیریت‌ها و معلمان نیز آن سیستم‌های ارزش‌یابی نمودار گونه

حسین زاده: پس نظر شما تأکید بر نظر - عمل و مداومت تجربه و مدیریت در یک بافت رسمی و غیررسمی می‌باشد. یعنی این مجموعه به صورت تیمی با هم حرکت کرده و تجربه‌هایشان را سال به سال اضافه و نمونه‌های جدید دیگری را از تجربه مدارس دیگر به کارشان اضافه می‌کنند.

پرویز یان: بنا به این تجربه، یعنی تعامل مدیریت و عوامل مدرسه در طی ۱۰ سال سبب تشکیل تیم با ثباتی در این مدرسه شده است. که می‌توانند کاملاً هماهنگ، منسجم و با برنامه کار کنند. برای مثال: دبیر هنر و یا سایر دبیرانی که شما ملاحظه نمودید چند سالی است که با عشق و علاقه در کنار هم کار می‌کنند و کارهایشان را دنبال می‌کنند، یعنی کارهای خود را توسعه می‌دهند و براساس تجربه‌ای که کسب کرده‌اند این سیستم را یعنی سیستم تجربی - علمی را دنبال می‌کنند.

حسین زاده: میزان تعارض و درگیری‌ها بین نیروهای آموزشی و بین بچه‌های مدرسه به طور غیررسمی چقدر کاهش پیدا کرده است؟ و آیا اصلاً در چنین محیطی وجود دارد و شما چنین مواردی را احساس کرده‌اید؟

پرویز یان: بله، «درگیری‌هایی» که در واژه

می‌خواند و فرزند دیگران در مدرسه‌های عادی درس خوانده است، این تفاوت را به عنوان یک اولیا چقدر احساس می‌کنید؟ و چقدر می‌توان روی این نوع سازماندهی‌ها در آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری کنیم. به نظر شما این شیوه یعنی سازماندهی کلاس‌های تخصصی عملی است؟

پرویز یان: یک ضرب‌المثل شعرگونه داریم که چنین می‌گوید: «درس معلم، گرس بود زمزمه محبتی، جمعه به مکتب آورد، طفل گریز پای را». عملاً این است و من این را لمس کرده‌ام. تا اسم مدرسه، اردو، درس علوم، قرآن و... می‌آید بچه شکفته می‌شود، یعنی احساس می‌کنم لحظه‌ای که به بچه ام حرف آزمایش را می‌زنیم، باید در آزمایشگاه نشسته باشد. این احساس تعلق یکی از عوامل بسیار اساسی و یکی از عناصر مهم در یاددهی و یادگیری است که این مدرسه توانسته این عنصر را پویا کند که ما در دیگر مدارس ندیده‌ایم. در مدارس دیگر کمتر دیده می‌شود که این احساس تعلق، حتی در دبیران به وجود آید. برای این است که این فرصت نبوده و حتی تجهیزات و امکانات، به خاطر همین احساس تعلق در همه درس‌ها در دانش‌آموز به وجود می‌آید، بنابراین حتماً در یاددهی و یادگیری آنها مؤثر خواهد شد.

از این بچه‌ها که همان نماینده‌گان آن‌ها هستند، کمک می‌گیریم. مشکلاتی را که دانش‌آموزان دارند در جلسه شورای دانش‌آموزی بیان می‌شود. مثلاً یکی از مسائلی که در شورای دانش‌آموزی و دبیران مطرح شده بود، این بود که یکی از بچه‌ها تکلیفی که گفته می‌شد را انجام نمی‌داد و باعث ناراحتی دبیر شده بود. پرسیدم، آیا این دانش‌آموز درس‌هایی را که از او پرسیده می‌شود را می‌تواند پاسخ بگوید یا خیر؟ گفت: بله، می‌تواند. گفتم، این دانش‌آموز تیزهوش است، پس از او نخواهید تکلیف خود را مانند سایر دانش‌آموزان انجام دهد و هر کس با توجه به کم بودن وقت می‌تواند تکالیفی که گفته شده است را انجام ندهد. ولی به شرطی که و درس‌هایی که معلم از او پرسیده می‌شود را بتواند پاسخ دهد. در غیر این صورت حتماً باید تکالیف خود را انجام دهد.

حسین زاده: آیا دبیران شما بیشتر تجربی کار می‌کنند یا با طرح و برنامه، و شما کدام را ترجیح می‌دهید؟

گودرزی: معلمان ما طرح دارند، ولی بیشتر تجربی عمل می‌کنند، چون اکثر اعضای این مجموعه از پانزده سال پیش به همراه من از مقاطع پایین‌تر تا این سطح آمده‌اند و با شیوه

به خوابگاه‌ها هم پرورنده تنظیم کرده‌ایم، که در آن روزانه موارد انضباطی داخل سرویس هم گزارش داده می‌شود که بدانیم احياناً کسی کاری خلاف آیین‌نامه‌ها انجام داده است یا نه. این آیین‌نامه‌ها هم توسط خود بچه‌ها تنظیم شده است. برای انجام این امر هم نماینده داریم که هر روز نماینده گزارش خود را با امضا تحویل می‌دهد. برای «نماز خواندن» هم بچه‌هایی که به طور مداوم حضور پیدا می‌کنند، البته «نه برای اجبار کردن»، بلکه «برای تشویق دانش‌آموزان» نام آنها یادداشت می‌شود و جوایزی به آنها تعلق می‌گیرد.

گودرزی: خانم احمدی، تمام کارهای مدرسه را با مشارکت بچه‌ها انجام می‌دهند. لیستی هم تنظیم شده که در آن مرخصی‌های بچه‌ها و این که با چه کسانی ملاقات داشته‌اند در آن ثبت می‌شود. وظیفه تمیز کردن داخل خوابگاه‌ها، نیز به عهده خود بچه‌ها است. از شستن ظروف گرفته تا مرتب کردن وسایل داخل خوابگاه. فقط نظافت «تی کشیدن کف این مکان» به عهده خدمتگزار مدرسه است و این یک نوع فرهنگ سازی است و در حال حاضر هم به صورت خودکار انجام می‌گیرد.

یکی از مسایل مهم در مدارس مختلف این

متداول صحیح نیست. پس باید سیستم جدیدی طراحی شود که در آن هم کار برتری انجام شود و هم ادعای «اثرات اثربخشی بیشتر نسبت به سایر مدارس» بررسی شود.

دفتر معاون و دفتر دار مدرسه - ۱

گودرزی: مدرسه ما شبانه روزی است و دو نفر معاون به آن تعلق می‌گیرد، ولی خانم احمدی، داوطلبانه متعهد شده‌اند که به تنهایی این کار را انجام دهند. به طوری که تمام زحمات نظام‌دهی مدرسه روی دوش خودشان باشد و نیازی به معاون دیگر نباشد. مثلاً انجام کار تکثیر این مرکز آن هم با حجم وسیع تکثیر در همین جا متمرکز شده است. ایشان توانسته‌اند با دخالت دادن دانش‌آموزان در این کار به خوبی از عهده تمام وظایف خود برآیند.

حسین زاده: یکی دیگر از کارهای شما، ایجاد «بانک اطلاعات» یا همان «بانک سئوال» است. شاید اینجا اولین مدرسه‌ای است که از کمترین نیرو، بهترین استفاده را برده است. تعداد کم یعنی نمی‌آیند که هر چقدر سازمان اجازه داده است،

نیرو وارد کنند و سیستم را اشباع کنند.

ما به این نتیجه رسیده‌ایم که اگر می‌خواهیم کاری را که برای بچه‌ها انجام دهیم، بهتر است با همکاری خود بچه‌ها باشد، یعنی قبل از اجرا، از بچه‌ها نظر خواهی کنیم



کار من هم آشنا هستند. همه آنها طبق جدول زمان‌بندی پیش می‌روند ولی گاهی هم پیش می‌آید که نمی‌توانند طبق آن جدول زمان‌بندی پیش بروند که این جا تجربی می‌شود. مثلاً تا این تاریخ باید این قدر از کتاب را می‌خواندند، ولی کمتر پیش رفته‌اند. می‌پرسید چرا؟ ممکن است دبیر مربوطه پاسخ دهد: برای اینکه بچه‌ها از روستا آمده‌اند. گاهی نیاز است سه جلسه روی همان درس کار کنند یا می‌بینند بچه‌ها این جلسه آمادگی ندارند، درس نمی‌دهند. ولی هیچ وقت بچه‌ها از درس عقب نمی‌مانند، چون وقت‌های خالی زیادی وجود دارد که بتوانند خود را به درس عقب افتاده برسانند.

حسین زاده: نظر شما در رابطه با ورزش و جایگاه آن در تعلیم و تربیت چیست؟

گودرزی: ورزش هم رمز حرکت برای بچه‌هاست و ما به ورزش بسیار اهمیت می‌دهیم و نقش آن را در آموزش و یادگیری مهم می‌دانیم. به طوری که معتقدیم «اول پرورش بعد آموزش»

است که معاونان، همه ابعاد وظایف خود نسبت به مدرسه آشنا نیستند و اغلب آنها تا حدودی به نقش مکمل خود با مدیر مدرسه آگاه نیستند.

حسین زاده: شما در مورد تشکیل شورای دانش‌آموزی و جلب مشارکت دانش‌آموزان در همکاری با مدیریت مدرسه، چه تجربه‌ای داشته‌اید؟

گودرزی: قبل اعلام سازمان آموزش و پرورش، من شورای دانش‌آموزی را تشکیل داده بودم. ما به این نتیجه رسیده‌ایم که کاری را که برای بچه‌ها می‌خواهیم انجام دهیم، بهتر است با همکاری خود بچه‌ها باشد، یعنی قبل از اجرا، از بچه‌ها نظر خواهی کنیم. حتی برنامه‌های امتحانی را خود دانش‌آموزان در شورای دانش‌آموزی تنظیم می‌کنند و در شورای دبیران نماینده هر کلاس نظر ات دانش‌آموزان را بیان می‌کنند. ما قبلاً ۹ نفر نماینده دانش‌آموزی داشتیم، اما بعد، وقتی دستورالعمل وزارتخانه به ما رسید که طی آن اعلام شد، مدارسی که تعداد دانش‌آموزان آن بیشتر از ۳۱۵ نفر دانش‌آموز می‌باشد، حداکثر می‌توانند هفت نفر نماینده داشته باشند که این نماینده‌ها را خود دانش‌آموزان طی انتخابات، انتخاب می‌کنند و ما هم همان دستورالعمل را اجرا کردیم. وظایف نماینده دانش‌آموزی در مورد کارهای خود بچه‌هاست. به خاطر همین

در این سیستم سازمان‌ها نیروی انسانی مورد نیاز خود را با توجه به نیاز خود و خصوصیات افراد انتخاب می‌کنند و کار خود را تنظیم می‌کنند. یعنی هر کس وظیفه‌ای مشخص متناسب با توانایی‌اش را به عهده دارد. بر خلاف این روش، ما در مدارس دیگر کارمند زیاد داریم، ولی کار کم است. یعنی تعادل بین مقدار کاری که باید انجام شود و نیروی انسانی فعال وجود ندارد.

گودرزی: هیچ یک از ما در این مدرسه یک لحظه هم بی‌کار نیستیم و همه ما در حال حرکت و کار و تلاش و فعالیت هستیم.

حسین زاده: این خود الگویی برای سازماندهی مدارس است و اگر افراد به مدیریت اعتماد کنند و مدیریت هم چنین رشدی را داشته باشد، ما می‌توانیم درجه بندی و ضوابط مدارس را تا حدود زیادی انعطاف‌پذیر کنیم.

گودرزی: امور بایگانی و کنترل امور سرویس‌های مدرسه، ساعت غذا، بهداشت مدرسه، صف، حیاط مدرسه، راهروها، نماز جماعت و... به وسیله بچه‌ها و با رهبری خانم احمدی انجام می‌گیرد و بچه‌ها به صورت دوره‌ای و داوطلبانه «معاون» می‌شوند و در انجام این کارها کمک می‌کنند.

خانم احمدی معاون مدرسه: ما علاوه بر مواردی که گفته شد، حتی برای سرویس مدرسه